

محور مقاومت به مثابه هویت منطقه‌ای

سیدمحمد رحیم عبوضی¹

علی نوازی²

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و دوم، شماره 3، پیاپی 87، پاییز 1400؛ صفحات 32-5

تاریخ پذیرش نهایی: 1400/07/10

تاریخ دریافت: 1400/06/20

چکیده

منطقه‌گرایی به مثابه حدفاصل ملی‌گرایی و جهان‌گرایی در عصر حاضر از اهمیت و جایگاهی ویژه برخوردار است؛ چنان که پس از عصر وستفالیایی، ملی‌گرایی به‌عنوان عنصر اصلی شناسایی دولت‌ها شناخته شد و در عصر تکنولوژی و ارتباطات، جهانی شدن و وابستگی متقابل چنین نقشی را ایفا می‌کند. منطقه‌گرایی نوین که برگرفته از رویکردهای پست‌مدرنیستی و سازه‌انگاران است، در تلاش برای تغییر توجهات و باورها در قبال منافع و مناطق تعیین‌کننده قدرت به‌شمار می‌آید. در دوره‌ای که قدرت مادی حرف اول را در مناسبات می‌زند، منطقه‌گرایی نوین در پی برجسته کردن ارزش‌ها و هنجارها و مؤلفه‌های برساخته‌انگاران هویتی است تا از این دریچه امکان پررنگ کردن ارزش‌های فرامادی را فراهم سازد.

بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان محور مقاومت را به مثابه یک هویت منطقه‌ای اثرگذار دانست؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت در منطقه‌گرایی نوین، ملاک انسجام و پیوند واحدهای سیاسی، برخورداری از هویت اجتماعی و فرهنگی مشترک است که برای کشورهای عضو محور مقاومت امری مسجل به‌شمار می‌رود؛ از این‌رو فاصله جغرافیایی و فقدان مرز مشترک مانعی در تحقق چنین امری نیست.

برای بررسی سؤال اصلی و فرضیه پژوهش از روش کیفی مبتنی بر تحلیل داده‌ها و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

واژگان کلیدی

محور مقاومت، محور سازش، انقلاب اسلامی ایران، هویت منطقه‌ای، فرصت‌ها، چالش‌ها

۱. دکتری علوم سیاسی، استاد جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد،

ra.eivazi@yahoo.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه اصفهان، Navazeni_ali@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و تأکید رهبران آن بر صدور انقلاب مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، دومینویی از تغییر و تحولات در جریان‌های سیاسی و اجتماعی در منطقه و جهان اسلام شکل گرفت که عمدتاً برگرفته از ارزش‌های شیعی و اسلامی بود. چنین تحولی در منطقه خاورمیانه که عمده جمعیت آن اهل سنت و درگیرودار بمباران خبری پان‌عرب‌یسم و پان‌اسلامیسم کشورهای هم‌چون عربستان، مصر و عراق بودند، دور از انتظار و از رویدادهای مستحدثه و پیش‌بینی‌ناپذیر برای رقبای ایران بود که مدعای رهبری جهان اسلام و منطقه را داشتند. بر این اساس حدی از تقابل و تعارض میان جمهوری اسلامی ایران، که از نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی برخوردار شده بود، با کشورهای عرب منطقه که عمدتاً رژیم‌های سلطنتی و استبدادی داشتند، شکل گرفت؛ از این‌رو در پی جلوگیری از نفوذ ارزش‌های انقلاب اسلامی برآمدند و از آنجا که توان تقابل فردی با ایران را نداشتند، تمایل یافتند از حمایت و قدرت کشورهای فرامنطقه‌ای همچون آمریکا در تقابل با ایران بهره‌مند شوند. در این راستا شکلی از مقاومت میان مردم ایران و گروه‌های تازه‌تأسیس یا گروه‌های پیشین که با ندای انقلاب اسلامی شکوفا شده بودند، به‌وجود آمد. عمده این نیروها در کشورهای فلسطین، لبنان، سوریه، یمن، عراق به‌وجود آمدند که امروز از آنها در قالب کشورهای عضو محور مقاومت یاد می‌شود. به فرموده امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی، دال مرکزی محور مقاومت را می‌توان تقابل و تعارض با نظام سلطه و استکبار و همچنین حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان دانست. بر این مبنا محور مقاومت با گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی در ایران، همچنان پیوندی سخت و استوار و رو به رشد با یکدیگر دارند و تحریم‌ها و فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی خدشه‌ای بر آن وارد نکرده است. اشتراکات موجود در محور مقاومت، به نوبه خود هویتی منطقه‌ای ایجاد کرده است که صرفاً با متر و معیارهای جغرافیایی نمی‌توان آن را ارزیابی کرد؛ زیرا ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب اسلامی فراملی و فراسرزمینی است و مردم را خارج از قواعد ناسیونالیسم و در چارچوب امت اسلامی ارزیابی می‌کند و همین امر زمینه‌ساز شکل‌گیری مفاهیم و تعاریف برساخت‌انگاران از هویت، منافع و امنیت شده است.

بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان محور مقاومت را به‌مثابه یک هویت منطقه‌ای اثرگذار به‌شمار آورد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت در منطقه‌گرایی نوین ملاک انسجام و پیوند واحدهای سیاسی و برخورداری از هویت اجتماعی و فرهنگی مشترک است که این امر در قبال کشورهای عضو محور مقاومت امری مسجل به‌شمار می‌آید و فاصله جغرافیایی و فقدان مرز مشترک در بروز و تحقق چنین امری ناتوان است. برای بررسی سؤال اصلی پژوهش از

روش کیفی مبتنی بر تحلیل داده‌ها و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. همچنین در فرآیند پژوهش تلاش شده است با شناسایی و تبیین دسته‌بندی و هویت‌های دوگانه منطقه‌ای در خاورمیانه، درجات متنوع اثرگذاری ارزش‌های هویتی انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای محور مقاومت تبیین و منافع و چالش‌های حاصل از محور مقاومت ارزیابی شود.

تعریف مفاهیم

به‌طور کلی «جریان» بیانگر مجموعه‌ای از پدیده‌های در حال تطوّر است. این واژه به‌معنای پویش، فراگرد و روند نیز ترجمه شده است. در علم سیاست، این مفهوم به‌معنی دگرگونی‌ها و جنبش‌های سیاسی به‌کار می‌رود (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۱۱۲). یک جریان از سه عنصر اساسی تشکیل می‌شود: اول، فکر و اندیشه؛ دوم، وجود رهبر برای عملی کردن آن فکرها و اندیشه‌ها؛ سوم، پایگاه مردمی برای آن اندیشه.

گروه‌هایی که دارای گرایش‌های سیاسی همگون یا یکسان مبتنی بر ارزش‌های مشترک‌اند و به‌سوی پدید آوردن یک خرده فرهنگ سیاسی پیش می‌روند و در مقطع زمانی معینی در حرکت و جنبش در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته‌اند، به‌عنوان یک جریان تلقی می‌شوند. جریان سیاسی، پدیده تاریخی و سیاسی با خصلت جامعه‌شناختی است؛ یعنی پدیده‌ای که از یک تاریخ و دوره معین آغاز شده، در مدت یا دوره‌ای مشخص و معین استمرار داشته و به پایان رسیده است یا ادامه دارد و در نهایت به‌شکل‌گیری یک جنبش ختم می‌شود (عیوضی، ۱۳۹۱: ۹).

جنبش نیز به‌معنای حرکت یا رفتار گروهی به‌نسبت منظم و بادوام برای رسیدن به هدف اجتماعی - سیاسی معین و براساس نقشه‌ای مشخص است که امکان دارد اصلاحی یا انقلابی باشد (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۱۱۴). در این راستا امروز جریان‌ها و حرکت‌های اجتماعی و سیاسی همواره با استفاده از قدرت نرم و سخت، به تحقق اهداف و منافع فردی و گروهی خود اقدام می‌کنند.

اما معنای مقاومت در انقلاب اسلامی عبارت است از پایداری در برابر ارائه متعارض و متهاجم به انقلاب اسلامی و آموزه‌های انسان‌ساز دینی که از دستاوردهای بنیادی انقلاب است. «محور مقاومت» هم ماهیت ایدئولوژیک دارد و هم ناشی از شرایط ژئواستراتژیک است. آن گونه که واقعیت‌های موجود در ارتباط با این محور و تاریخ ظهور و روند تحولات آن نشان می‌دهد، این محور در اصل و اساس، ماهیتی دوگانه دارد؛ یعنی ترکیبی از ضرورت‌های ژئواستراتژیک و تعهدات استراتژیک است؛ زیرا این محور مبتنی بر گزاره مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل، دفع تجاوزات آن و در نهایت بیرون راندن آن از سرزمین‌های اشغالی شکل گرفته است (Colucci, 2018). در طول

تاریخ نقش مقاومت ملت‌ها در برابر ظلم و ستم هیچ‌گاه بی‌اثر نبوده و منبع قدرت و رمز پیروزی بوده است. گزینه‌ای از فرمایش رهبری بر این نکته تأکید دارد که «هرجا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان دهند، پیروزی قطعی است؛ همه‌جا همین جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد این است که یا ملت‌ها طاقت ندارند و ایستادگی نمی‌کنند یا رهبرانی که بتوانند آنها را درست اداره کنند، ندارند» (Khamenei.ir).

چارچوب نظری: سازه‌انگاری و منطقه‌گرایی

منطقه‌گرایی و پیوند آن با مقوله هویت از جمله رویکردهای نوین در حوزه روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آید. بر این اساس کشورها تلاش می‌کنند حوزه نفوذ و اثرگذاری خویش را در مناطق مختلف تقویت کنند و پایه و مبانی قدرت خویش را صرفاً بر اساس مؤلفه‌های مادی قدرت تعریف و تبیین نکنند. در این چارچوب، سازه‌انگاری معتقد است که ساختارهای اجتماعی همانند هنجارها و ایده‌ها به اندازه ساختارهای مادی مانند موازنه قدرت نظامی در شکل‌گیری منطقه‌گرایی مهم هستند (روحی‌دهنه، ۱۳۹۳: ۱۰)؛ زیرا امروز کشورها متوجه درجات اهمیت مناطق پیرامونی خویش شده‌اند و در پی افزایش ارتباط منطقه‌ای برآمده‌اند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۰). اینکه جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی هرکدام به اندازه و توان خویش از امکان اثرگذاری بر مفهوم هویت منطقه‌ای و ارتباطات منطقه‌ای برخوردار باشند و اینکه کدام‌یک از این موارد امکان تجلی و تقویت منطقه‌ای را به‌دست بیاورند امری است که از راهبردهای بازیگران منطقه‌ای و بین‌الملل متأثر است. همچنین منطقه‌ای شدن به‌عنوان «فرآیند تعامل منطقه» یا «رشد همگرایی اجتماعی در یک منطقه» به شکل‌گیری یک هویت منطقه‌ای می‌انجامد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۰) و می‌توان گفت هویت‌های منطقه‌ای محصول «ذهنی» تعامل جوامع با فضای فیزیکی و اجتماعی (محیط) و بازتاب ذهنی فضا در ذهن و خاطرات افراد هستند (Raagmaa, 2001: 2). از سوی دیگر نظریه‌های نوین منطقه‌گرایی از دولت‌محوری به‌سمت فردگرایی و اجتماع‌محوری حرکت کرده‌اند؛ بدین معنا که بازیگران و کارگزاران فرومی و فردی نیز در پروسه منطقه‌گرایی اهمیت یافته‌اند؛ زیرا ساخت منطقه مستلزم پیوند، ارتباط و مبادله میان فردی در منطقه است (سرخیل، ۱۳۹۷: ۲۰۷) و عنصر جغرافیا نقشی اصلی و تعیین‌کننده ایفا نمی‌کند. سازه‌انگاران در این زمینه استدلال می‌کنند که مناطق طبیعی^۱، از پیش داده‌شده^۲ یا ذاتی^۳ و جوهری نیستند. این دسته از نظریات به‌جای جغرافیای سرزمینی بر تراکم، شدن و کیفیت تعامل‌ها و میزان

1. Natural
2. Given
3. Essential

انسجام و همبستگی درون منطقه‌ای تأکید می‌کنند. در نتیجه مناطق بر اساس کنش‌های کلامی تعریف می‌شوند که بازیگران اجتماعی و سیاسی آنها را می‌سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). این بازیگران از طریق قواعد و هنجارها، دگرگونی و دگردیسی هویت‌ها و نقش ایده‌ها، انگاره‌ها، زبان و گفتمان‌ها اقدام به برساخت منطقه می‌کنند که همین امر مورد توجه است (Adler, 1998: 103). در این وضعیت فرهنگ و هویت به‌عنوان یک نیروی فعال در بازتولید اجتماعی، فرآیند مذاکره و محصول گفتمان‌هایی که افراد از طریق آنها تجربیات خود را برای خود و دیگران نشان می‌دهند، دیده می‌شود (Raagmaa, 2001: 2).

نقطه اتکا در این بخش، هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم هستند که زمینه‌ساز بسط و گسترش روابط میان گروه‌ها شده‌اند و روابط معنایی میان افراد را شکل می‌دهند (سرخیل، ۱۳۹۷: ۲۰۴). هویتی که از آن سخن به میان می‌آوریم، از منظر سازه‌انگاری عبارت است از فهم و انتظاراتی که بازیگران از خود و دیگران دارند. هویت‌ها به ملت‌ها اجازه می‌دهند که جهان خود را معنادار کنند و به دسته‌بندی موجودیت‌های آن پردازند (درویشی و فیاضی، ۱۳۹۵: ۷۲). در این راستا در فرآیند پیوند و همسویی منطقه‌گرایی و هویت، می‌توان به سه کارکرد ضروری هویت اشاره کرد: نخست آنکه بازیگران منطقه‌ای در قالب هویت اعلام می‌کنند که چه کسانی هستند و دیگران چه کسانی هستند و اینکه نقطه تمایز آنها با دیگران در چیست؟ دوم، هویت‌ها به‌طور قوی بر یک مجموعه خاص از منافع و ترجیحات بازیگران خاص و اعمال ناشی از منافع و ترجیحات بازیگران دلالت دارند و اینکه هویت‌ها واجد محتوای فرهنگی هستند و منافع نیز با چنین رویکردی تعریف می‌شود (Wendt, 1999: 231). البته این نکته نیز حائز اهمیت است که باید میان دو هویت ملی و دولتی از سویی و هویت فرادولتی از سوی دیگر خط تمایزی رسم کرد. هویت‌های فرادولتی، جنبش‌های فرادولتی را ایجاد و رفتار دولت‌محور را محدود می‌کنند که امروز این شکل از فرآیند هویت‌یابی در خاورمیانه مورد توجه است (Luomi, 2008: 15). سوم، اعلام می‌کنند که هویت منطقه‌ای متغیر است و به بافت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بستگی دارد (Hopf, 1998: 174). در مناطقی که هویت منطقه‌ای حرف اول را می‌زند، توده مردم و همچنین نخبگان در فرآیندی از تعریف و تبیین خویش، احساس با هم بودن، هم‌پوشانی با یکدیگر، هم‌سرنوشت بودن و متکی به ارزش‌ها و منافع مشترک بودن می‌کنند که از آن در قالب «منطقه‌بودگی» می‌توان یاد کرد. در فضای منطقه‌بودگی، همگرایی ایستاری است که نقش تعیین‌کننده ایفا خواهد کرد که مبتنی بر هویت، ایستارها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک معنا می‌یابد (Adler, 1998: 103). منطقه‌بودگی حدی از خودآگاهی را فراهم می‌آورد و این خودآگاهی، به معنای شکل‌گیری



تصوّرات ذهنی مردم در یک منطقه واحد به صورت داوطلبانه و ارادی مبتنی بر قواعد فرهنگی و هویتی مشترک است.

از سوی دیگر مقوله‌هایی همچون جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی بر منطقه‌گرایی اثرگذار خواهند بود و می‌توانند نقش تسهیل‌کننده یا تضییع‌کننده روابط را ایفا کنند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳). با وجود این همکاری منطقه‌ای مبتنی بر ارزش‌های مشترک از طریق تعامل و روابط منظم میان بازیگران امکان حصول دارد و کشورها تلاش می‌کنند مناطق و صحنه عملیات خویش را شناسایی کنند و با ایجاد حدی از وابستگی متقابل میان اعضا به یکدیگر، شاهد باشیم که هرگونه تغییر و تحول در منطقه متأثر از هویت مشترک منطقه‌ای بر ساخته شده است. بازیگران این هویت احساس هم‌پیوندی و آینده مشترک می‌کنند و با تغییر هر بخش، بخش‌های دیگر نظام منطقه‌ای نیز دچار تحول می‌شوند (لیک، ای و مورگان، ۷۶-۷۵).

تبیین وضعیت هویت‌های نامتجانس یا رقیب در خاورمیانه

خاورمیانه که در غرب آسیا قرار گرفته است، به‌علت برخورداری از بسیاری از منابع طبیعی و فسیلی، تنوع هویتی و فرهنگی، جمعیت گسترده مسلمان، تاریخ طولانی و تمدن کهن و همچنین میراث‌دار بودن جنگ‌ها و تعارضات داخلی و فرامرزی در این کشورها، همواره مورد توجه صاحب‌نظران و نیز کشورهای قدرتمند فرامنطقه‌ای بوده است. بر این اساس موضوع مورد توجه در این بخش را می‌توان این‌گونه ترسیم کرد که شکل‌گیری و ترسیم فرهنگ منطقه‌ای و هویت منطقه‌ای ویژه تا چه میزان می‌تواند امکان شکل‌گیری نوعی اتحاد و تفاهم در منطقه را فراهم کند. در ادامه بیان می‌کنیم که در این منطقه دو جریان اصلی وجود دارد که تحولات منطقه را رصد و هدایت می‌کنند. یک جریان در قالب محور مقاومت است که اثرگذاری و پایه و اساس آن را پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و بحث صدور انقلاب باید جست‌وجو کرد. با انتشار ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی منبعث از انقلاب اسلامی امکان دستیابی و شکل‌دهی به جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی و هم‌پیمانانی مقتدر در منطقه میان دولت‌ها و گروه‌های اسلامی فراهم آمد و امروز از محورهای اصلی تحولات منطقه به‌شمار می‌آید. در سوی دیگر، جریان محافظه‌کار یا محور سازش در منطقه است که عربستان سعودی رهبری آن را برعهده دارد و اقدامات آن با هدایت و راهنمایی هم‌پیمانان عبری و غربی صورت می‌گیرد. این محور در پی حفظ وضع موجود در منطقه است و با هرگونه حرکت‌های تجدیدنظرطلبانه معارض منافع این کشور در منطقه مخالفت می‌کند (اخوان‌کاظمی و شاه‌ملکی، ۱۴۰۰: ۷۷).

نکته حائز اهمیت این است که هرکدام از محورهای یادشده در پی ایجاد هویت منطقه‌ای

منحصر به فرد خویش و مشترک برآمده‌اند و به بازنمایی و بازتولید هویت خویش در منطقه دست می‌زنند و همه اقدامات و تحولات منطقه را می‌توان در این چارچوب ارزیابی کرد. بر این اساس باید گفت فرهنگ، به‌عنوان ارزش‌های مشترک، باورها و سنت‌های اجتماعی منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان یک نیروی فعال در بازتولید اجتماعی، فرآیند مذاکره و شکل‌دهی به گفتمان‌هایی که افراد از طریق آن تجربیات خود را برای خود و دیگران نشان می‌دهند، دیده شود (Raagmaa, 2001: 2). در جدول ۱ تلاش شده است با اتخاذ رویکردی مقایسه‌ای این دو جریان بررسی شوند.

جدول ۱: بررسی مقایسه‌ای دو جریان اصلی بازنمای هویت منطقه‌ای در خاورمیانه

متغیرها	محور مقاومت منطقه‌ای	محور سازش منطقه‌ای
رویکرد منطقه‌ای	تجدیدنظرطلبانه	محافظه کارانه و حفظ وضع موجود
اعضای ائتلاف	ایران، لبنان، سوریه، فلسطین، عراق و یمن	آمریکا، عربستان، اسرائیل و امارات
ایدئولوژی	تقویت و بسط فرهنگ اسلام سیاسی شیعی	تقویت اسلام سکولار، سنی / سلفی
ارتباط با اسرائیل	مقابله‌گرا، حذفی و بدون مماشات	تعامل محور و عادی‌سازی روابط
رویکرد در قبال آمریکا	خودکفایی و استقلال‌محور	تحت نفوذ و وابستگی
حکومت مُرَجَّع	حکومت اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی	حکومت پادشاهی و سلسله‌ای - وراثتی
رویکرد در قبال جهان اسلام	امت‌محوری و وحدت جهان اسلام	پان‌عربیسم و پان‌اسلامیسم سنی / سلفی
مسئله فلسطین	مسئله اصلی و بنیادین محور مقاومت	به حاشیه راندن مسئله فلسطین

منبع: نویسندگان

نکته حائز اهمیت این است که جریان محافظه‌کار در سال‌های اخیر همواره تلاش کرده است با بهره‌گیری از قدرت سخت و قدرت نرم، موانعی را در مسیر تحولات هویتی منبعث از ارزش‌های محور مقاومت ایجاد کند تا امکان تضعیف فرهنگ اسلامی سیاسی و تضعیف محور مقاومت فراهم آید (شکرزاده و جعفری‌فر، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۵). البته همان‌طور که پیش از این بیان کردیم، تغییر و تحولات هویتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در منطقه به‌وجود آمد، و رسوخ و انتشار ارزش‌های انقلاب میان کشورهای منطقه، به‌میزانی بوده است که با گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی در ایران، همچنان شاهد بروز و ظهور و تقویت گروه‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش و رهایی‌بخش در منطقه هستیم. بعد ایدئولوژیکی و سیاسی شیعه در سیاست خارجی ایران، منطقه خاورمیانه عربی را به‌عنوان جایگاهی ویژه برای نفوذ و نقش‌آفرینی و به‌تبع آن هویت‌بخشی میان این کشورها ایجاد کرده است. در این راستا از جمله دستاوردهای انقلاب اسلامی، شکل‌گیری محور مقاومت در خاورمیانه است که به‌خصوص پس از حوادث یازدهم

سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به عراق شکل گرفته و باعث تقویت حس مقاومت و ایستادگی در مقابل نظام سلطه جهانی و حکومت‌های استبدادی دست‌نشانده و موجب ایجاد هویتی جدید در خاورمیانه شده است (هاشم‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۳).

در ادامه هویت منبعث از محور مقاومت را بررسی و ارزیابی می‌کنیم.

هویت منبعث از محور مقاومت

در بررسی عوامل شکل‌دهنده به هویت و امنیت اجتماعی، بدون تردید فرهنگ حاکم بر جوامع، نقشی چشم‌گیر در شکل‌دهی به هویت اجتماعی دارد و سیاست خارجی کشورها را متأثر می‌سازد. یکی از محققان در بررسی نقش فرهنگ در سیاست خارجی می‌نویسد: «سه محرک برای شکل‌دهی به سیاست خارجی وجود دارد: فرهنگ، ایدئولوژی و منافع مادی که فرهنگ و ایدئولوژی نقش بیشتری دارند». وی همچنین تصریح می‌کند: «فرهنگ می‌تواند ابزاری برای سیاست خارجی باشد» (Fischer, 2006: 27). با توجه به این امر می‌توان گفت با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش نفوذ منطقه‌ای آن، شاهد شکل‌گیری محور مقاومت هستیم. به هر میزان که قدرت و توان این محور افزایش یابد، شاهد کاهش نفوذ و اثرگذاری محور سازش خواهیم بود. بر همین اساس کشورهای محور سازش پیوسته در تلاش‌اند جمهوری اسلامی ایران را به‌مثابه جریان‌ساز و طالع قدرت مقاومت در نظر بگیرند (مطابق شکل ۱) و با اعمال فشار و تحریم، آن را از مواضع حمایت‌گرایانه‌اش بازدارند تا زمینه‌ساز تضعیف محور مقاومت و جلوگیری از شکل‌گیری و گسترش هویت منطقه‌ای آن شوند. بر این اساس مهم‌ترین خصیصه محور مقاومت را که منبعث از ارزش‌های فرهنگی و معنوی این محور است می‌توان اتکای آن به قاعده نفی سییل و رویکرد تقابل محور آن با ظلم، سلطه و استکبار و امپریالیست به‌شمار آورد. این امر از ماهیت عدالت‌خواهانه، حق‌طلبانه، آزادی‌خواهانه، رهایی‌بخش، آرمان‌گرایانه و امت‌گرایانه این محور نشئت می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۶: ۷). این محور از ابتدای شکل‌گیری در تلاش بوده است ارزش‌ها و هنجارهای خویش را به‌عنوان هویتی جدید و متضاد از نظام‌های ارزشی حاکم بر برخی کشورهای منطقه به‌خصوص دولت‌های تحت پیروی محور سازش بازنمایی کند. در ادامه تلاش می‌کنیم اعضای تشکیل‌دهنده محور مقاومت در منطقه را در قالب جدول ۲ بازنمایی کنیم.



جدول ۲: نیروها و جریان‌های تشکیل‌دهنده محور مقاومت

کشور	جمعیت	مسلمان	شیعه	اهل سنت	نیروهای اجتماعی - سیاسی محور مقاومت
ایران	85,453,487	99 درصد	89 درصد	10 درصد	سپاه قدس و شاخه‌های آن زینبیون، فاطمیون و...
عراق	41,584,953	95 درصد	65 درصد	35 درصد	حزب‌لذعه اسلامی مجلس‌اعلی انقلاب اسلامی سازمان عمل اسلامی جریان موسوم به صدری‌های عراق حزب فضیلت اسلامی عراق حشدالشعبی، سپاه بدر و کتائب حزب‌الله
سوریه	18,538,709	80 درصد	15 درصد	85 درصد	بشاراسد جیش‌الشعبی
یمن	30,768,794	98 درصد	42 درصد	56 درصد	الحوثیون، انصارالله
لبنان	6,757,518	54 درصد	55 درصد	45 درصد	حزب‌الله
فلسطین	5,272,932	99 درصد	-	-	حماس جهاد اسلامی فلسطین

Source: www.worldpopulationreview.com/countries - [www.cfr.org/sunni-shia-divide/#!/](http://www.cfr.org/sunni-shia-divide/)



شکل ۱: چرخ‌دهنده بازنمای هویت قدرت محور مقاومت

منبع: نویسندگان

محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه‌ای مرکب از مجموعه بازیگران دولتی و غیردولتی است که از منابع ملی و ایدئولوژیک مشترک برخوردارند و در پی اعلام سیاست‌های مستقلانه و مقاومت محور خویش هستند. در واقع آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در جهان خارج است. زبان سیاسی مقاومت اسلامی را می‌توان انعکاس

ظهور ادبیات اسلامی در روابط و سیاست بین‌الملل دانست (محمود و باقری، ۱۳۹۷: ۹). در واقع نفوذ ایران در کشورهای عربی منطقه و غلبه نگرش هویتی و ایدئولوژیک بر نیروها و جریان‌های اصلی محور مقاومت در کشورهای عربی خاورمیانه و خلیج فارس را می‌توان از عوامل اصلی بازنمایی هویت جدید و تضعیف هویت رقیب به‌شمار آورد (میررضوی، ۱۳۹۲: ۴-۳). هویت که در این چارچوب از آن سخن به‌میان می‌آید، برگرفته از ارزش‌های هویتی ایرانیان به‌خصوص قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است که اصول و قواعد حاکم بر آن را می‌توان در چارچوب جدول ۳ ملاحظه کرد.

جدول ۳: منابع قدرت نرم محور مقاومت اسلامی منبعث از جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ	ارزش‌های اجتماعی	دیپلماسی
- فرهنگ اسلامی	- مردم‌سالاری دینی	- فعالیت‌های آموزشی
- فرهنگ ایرانی	- علم و فناوری	- رسانه
- فرهنگ منتج از انقلاب اسلامی	- وحدت و اراده ملی	
- فرهنگ عزت‌مداری	- بسیج	
- فرهنگ شهادت و انتظار	- عدالت و برابری	
- توحید و یکتاپرستی	- مرجعیت ولایت فقیه	
- اخلاق محوری		
- فرهنگ دفاع مقدس		

منبع: نویسندگان

هویت منبعث از محور سازش - سازش

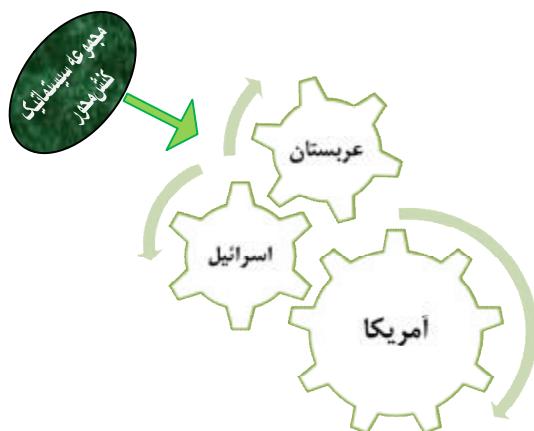
همان‌طور که پیشتر تبیین کردیم، محور سازش، که متشکل از ائتلاف عربی، عبری و غربی است، در تلاش است ارزش‌ها و منابع هویتی خویش را در منطقه ترویج کند و گسترش دهد. این مسئله ناشی از آن است که عمده دولت‌های موجود در خاورمیانه در سیاست خارجی نگاهی رقابت‌آمیز و غیردوستانه به همسایگان خود دارند که موجب ایجاد دور باطلی از رقابت‌های منطقه‌ای و تشدید دشمنی‌ها شده که خود کاهش فضای همکاری‌جویانه در خاورمیانه را رقم زده است (عسکری و بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۲۸). این مسئله همچنین مانع شکل‌گیری روند توسعه در منطقه شده که قطعاً می‌توان آن را در راستای منافع آمریکا و اسرائیل ارزیابی کرد.

به عبارتی در طول دو دهه اخیر، تحولات خاورمیانه در نتیجه اثرگذاری عوامل فرامنطقه‌ای همچون جنگ‌ها و مداخلات آمریکا و کشورهای حامی آن، به نفع ایران جهت یافته و محور سازش در پی بازسازی هویت از دست‌رفته و کنترل و مهار موازنه هویتی و مادی در منطقه است

(اختیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

در دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، آمریکا در حضور و اقدامات خویش در خاورمیانه بسیار محتاطانه و گزینشی عمل می‌کرد. این مسئله زمینه‌ساز رشد و گسترش مادی و معنوی محور مقاومت شد. از طرفی ائتلاف عربی-عبری در همین دوره به‌علت احساس خطر مشترک از جانب محور مقاومت شکل گرفت (اختیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). با قدرت‌یابی ترامپ در آمریکا، ضلع سوم پازل ضد‌محور مقاومت تکمیل شد و اعمال فشارها بر ایران و محور مقاومت گسترش یافت؛ زیرا ائتلاف مذکور به این جمع‌بندی رسید که رهایی و آزادی محور مقاومت در منطقه با توجه به اهداف و ارزش‌های مشترک و فراگیر آن، منافع و امیال محور سازش و نیز منافع حاصل از این منطقه راهبردی را به خطر خواهد انداخت. در نتیجه اتحاد راهبردی آمریکا، اسرائیل و عربستان در منطقه، معضلات امنیتی مختلفی برای دولت اسلامی عضو محور مقاومت ایجاد کرد (جعفری و علی‌اکبری، ۱۳۹۱: ۳۰). از طرفی ترامپ تلاش کرد با سیاست دوگانه تشویقی و تهدیدی در قبال کشورهای ذره‌ای حاشیه خلیج فارس، آنها را به سمت امضای قراردادهای عادی‌سازی روابط با اسرائیل در قالب «معامله قرن»^۱ هدایت کند که عادی‌سازی روابط اسرائیل با امارات و بحرین را می‌توان در همین چارچوب ارزیابی کرد. بخشی از این تغییر رویکرد را باید در ساختار کابینه ترامپ جست‌وجو کرد. در حقیقت، بیشتر اعضای کابینه بر یک اصل اشتراک نظر دارند که ایران مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه و کانون تهدید علیه منافع آمریکاست (اختیاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). در نتیجه راهبردی که همواره مورد بهره‌مندی ائتلاف سازش قرار گرفته ایجاد جدال‌های فرقه‌ای و هویتی است که باعث استهلاک قدرت کشورهای محور مقاومت و در نهایت موجب تجزیه این ائتلاف شود (عسکری و بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۴۱). در شکل ۲ می‌توان ارتباط چرخ‌دنده‌ای میان محور سازش را مشاهده کرد. مبتنی بر تصویر می‌توان گفت سرستون‌های اسرائیل و عربستان بدون حمایت و نقش‌آفرینی آمریکا امکان اثرگذاری منطقه‌ای برای خویش قائل نیستند. این کشورها همواره تلاش کرده‌اند از حمایت آمریکا برای مقابله با محور مقاومت بهره‌مند شوند. هرچند این حمایت مبتنی بر منافع ایالات متحده آمریکا در دوره‌های مختلف، کم و کیف متفاوتی داشته است، اما وجه مشترک این ائتلاف را می‌توان در ضدیت با محور مقاومت دانست. همچنین تفاوت‌ها در شکل‌های ۱ و ۲ را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد. در شکل ۱ مؤلفه‌های ترکیبی قدرت و هویت درون منطقه‌ای و مستخرج از بازیگران آن به‌شمار می‌آید؛ در حالی که در شکل ۲، این مؤلفه‌ها در ترکیب با عناصر، عوامل و بازیگران برون منطقه‌ای و منطبق با مشخصه‌های حقوق بین‌الملل، توأمان غیر‌مشروع است.





شکل ۲: چرخ‌دهنده بازنمای هویت قدرت محور سازش

منبع: نویسندگان

می‌توان گفت در قالب تحلیل ساخت‌گرایانه، هنجارهای پان‌عرب ناشی از یک هویت فرادولتی مشترک در شکل‌دهی به رفتار دولت‌های عربی «به‌خصوص عربستان» اثرگذاری ویژه‌ای یافته است؛ در حالی که بخش غالبی از هنجارهای جهانی حاکمیت با آنچه هنجارهای منطقه‌ای پان‌عربیسیم/پان‌اسلامیسم مطرح است، در تعارض است و این کشورها با بهره‌مندی از چنین هنجارهایی در پی دستیابی به رهبری منطقه‌ای هستند؛ زیرا نگران هستند فرقه‌گرایی که در خاورمیانه ریشه‌دار است، ظرفیت تبدیل شدن به پان‌هنجار بعدی در خاورمیانه را داشته باشد؛ از این‌رو با هر موضوعیتی که زمینه‌ساز تحقق این امر شود به مقابله بر می‌خیزند (Luomi, 2008: 16). همان‌طور که بیان داشتیم، عربستان سعودی از یک نظام حکومتی پادشاهی و سلطنتی برخوردار است (قانون اساسی عربستان) و سیاست عملی آن نیز در قالب محافظه‌کاری و حفظ وضع موجود است. بازنمای این سیاست در منطقه نیز شامل حفظ نظام‌های حکومتی همسو در خاورمیانه است (علیخانی، ۱۳۹۶: ۱۸۸). همچنین این کشور در پی برقراری روابط حسنه و همبسته با کشورهای عرب و مسلمان است و از آنجا که مدعای رهبری جهان اسلام و جهان عرب را برای خویش محفوظ می‌دارد، با هر رویکرد متعارضی به خصومت برخواهد خواست. این کشور (کلیددار کعبه) اسلام/سنی/اسلمی و عربیت را دو بال هنجاری خویش ارزیابی می‌کند که پرتو و طنین آن باید در منطقه حکم‌فرما شود. (بر ماست که از این هویت ملی خود محافظت و آن را برجسته و جهانیان را با آن آشنا کنیم) (سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان). این امر با ویژگی‌های محور مقاومت در تعارض عملی و نظری است. به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست خارجی ایران مبتنی بر نفی وابستگی به شرق و غرب و تقابل ایدئولوژیک و استراتژیک با غرب و اسرائیل است؛ اما سیاست

خارجی عربستان مبتنی بر اتحاد با غرب قوام یافته و طی یک فرآیند سیاسی مبتنی بر رفع تنش با اسرائیل و در نهایت هم‌آوایی با اسرائیل است (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴).

جریان‌های مقاومت شیعه در خاورمیانه

۱. یمن

ژئوپلیتیک یمن، به‌خصوص موقعیت ویژه تنگه باب‌المندب که مسیر عبور محموله‌های نفتی است، امتیازات خاصی برای محور مقاومت ایجاد کرده است (عسکری و بیدگلی، ۱۴۰۰: ۱۳۸). شیعیان که حدود ۵۰ درصد جمعیت یمن را تشکیل می‌دهند، جمعیت درخور توجه و مهمی هستند. آنان پیش از کودتای سال ۱۹۶۲، بیش از هزار سال بر یمن حکمرانی می‌کردند؛ اما تغییر و تحولات ایدئولوژیک و همچنین ساخت قدرت در این کشور موجب شده است که در طول دهه‌های اخیر، کمترین نفوذ و اثرگذاری را در ساخت قدرت داشته باشند (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۸۲).

اینکه چه علل و عواملی زمینه‌ساز بروز تحولات اخیر در یمن شده قطعاً حائز اهمیت است. در توجیه علت هر حرکتی باید معلول را به‌خوبی بررسی کرد و پس از بررسی جنبه‌های مختلف تأثیرگذار در علت بیان‌شده، به نگرشی واحد دست یافت. منظور از نگرش واحد، یعنی عواملی که در نهایت به موجی تبدیل می‌شوند و این موج فکری و بصیرت اجتماعی بر اثر رشد و نمو روشنفکری موجبات خیزشی را مهیا می‌کند که در نهایت بهاری از اندیشه‌ها را در اجتماع استکبارزده و خفقان استبداد می‌آفریند (موسوی و باقری‌فر، ۱۳۹۴: ۲۰۸). با توجه به این امر، فرهنگ سیاسی شیعه می‌تواند مهم‌ترین نقش را ایفا کرده باشد. فرهنگ سیاسی شیعه یعنی مجموعه‌ای منسجم از اعتقادات، ارزش‌ها و نمادهای مذهب تشیع که از منابع شیعی برآمده و مبنای عمل شیعیان در برابر قدرت‌ها و حکومت در ادوار تاریخی بوده است (اخوان‌کاشمی و شاه‌ملکی، ۱۴۰۰: ۸۳). با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، جریانی از هویت‌یابی در منطقه شکل گرفت که شیعیان یمنی نیز از این قاعده مستثنی نشدند؛ زیرا انقلاب اسلامی در پی نفوذ و اثرگذاری مبنای شیعی بر زندگی اجتماعی، نقد وضعیت موجود و ترویج اندیشه‌های امام خمینی و تقابل با نظام استکبار و سلطه بود. این مؤلفه‌ها جزو مشخصه‌های هویتی بودند که مردم یمن نیز با آن احساس هم‌ذات‌پنداری می‌کردند. اهمیت این مسئله تا آنجا پیش می‌رود که دکتر عصام العماد، از مفتیان سابق وهابیت که به تشیع گرویده است، می‌گوید به‌علت نفوذ و تبلیغات گسترده وهابیت و پان‌عربیسم در یمن، اگر انقلاب اسلامی ایران و ایدئولوژی اسلام سیاسی نبود، مذهب زیدی در یمن از بین رفته بود (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۶). همچنین حسین بدرالدین الحوثی، از رهبران جریان انصارالله یمن، درباره امام خمینی می‌گوید: «امام خمینی نمونه بارز «امام عادل لاترد دعوت»



است؛ یعنی امام عادل که اطاعت از او واجب است» (موسوی و باقری فر، ۱۳۹۴: ۲۲۴). بر این اساس ارزش‌های هویتی انقلاب اسلامی در این منطقه نمود و بروز یافت و پس از انقلاب اسلامی بسیاری از مؤسسات فرهنگی و عقیدتی شیعیان در این کشور پا گرفتند که در جدول ۴ به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

جدول ۴: مؤسسات و سازمان‌های فرهنگی و عقیدتی شیعیان در یمن

مؤسسه دارالزهرا علیها السلام للاعلام الثقافی	دار احباب اهل البیت علیه السلام	مؤسسه علمی - فرهنگی بدر
رابطه الشیعه جعفریه فی الیمن	مؤسسه الامام زیدبن علی الثقافیه	مؤسسه ابنه الاجتماعیه الثقافیه
الجمع الاسلامی الیمنی الشیعی	مداری الجعفریه در عدن	مدری الجعفریه در عدن
رابطه علماء الیمن	جمعیت عبدالله رضیع	مؤسسه الرسالیه

منبع: (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۸۶)

مهم‌ترین جریان شیعی در یمن را می‌توان جریان الحوثی یا انصارالله یمن دانست که پس از تحولات سال ۲۰۱۱ بیداری اسلامی در خاورمیانه، مهم‌ترین نقش را در این کشور بازی می‌کند. این جریان همواره به نزدیکی دولت علی عبدالله صالح به آمریکا و عربستان و نفوذ بیش از حد وهابیان معترض بوده است (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۸۹). همچنین این جریان نسبت به عملکرد دستگاه حاکمیت و اقدامات آن در قبال شیعیان اعتراضات جدی داشت. فعالیت‌های سکولار دولت یمن برای مهیا کردن شرایط برای فعالیت وهابیان و دخالت‌های گاه و بی‌گاه عربستان و آمریکا در امور یمن همواره مورد نقد این جریان بوده است (شکرزاده و جعفری فر، ۱۳۹۷: ۸). همچنین شیعیان در این کشور از بسیاری امکانات عمرانی و سازمانی محروم بودند، در فقر اقتصادی به سر می‌بردند و آزادی‌های اجتماعی و مدنی همچون حضور در مراسم مذهبی، ابراز و تبلیغ آزادانه عقاید و ارزش‌های شیعی، شرکت در مساجد و غیره هم نداشتند (اخوان‌کاظمی و شاه‌ملکی، ۱۴۰۰: ۹۷). دستگاه حاکمیت اقدام به سوزاندن بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی و کتاب‌های نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده کرده بود و به مقدسات شیعیان نیز توهین می‌کرد (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱، ۱۳۷). اگر اقدامات یادشده را در مقابل مشخصه‌های انقلاب اسلامی ایران یعنی برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب تشیع و القای تفکر ام‌القرا بودن ایران برای جهان اسلام قرار دهیم، علت گرایش شیعیان این منطقه به جریان مقاومت آشکار می‌شود (نجاتی، ۱۳۹۰: ۲-۱). نمونه این تأثیرپذیری شعارهای

پنج‌گانه (الله اکبر، الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی الیهود، النصر للاسلام) است که جریان مقاومت در این کشور مطرح کرد (موسوی و باقری‌فر، ۱۳۹۴: ۲۲۴). این شعارها منبعث از ارزش‌های یادشده و متکی بر آن است که تاکنون جریان انصارالله یمن با اعمال فشار توانسته است دو رئیس‌جمهور یمن، یعنی عبدالله صالح و منصور عادی را از قدرت خلع کند و به این صورت در روند قدرت و سیاست این کشور مؤثر واقع شود (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۹۴). انصارالله با توجه به اصل قیام به سیف در برابر ظلم و اصل امر به معروف و نهی از منکر بر پایه اندیشه‌های زیدیه توانسته است پایگاه اجتماعی خوبی میان شیعیان و اهل سنت به دست آورد (و اندیشه‌های خویش را از طریق شبکه تلویزیون المسیره منتشر کند). این جریان در صورت فاعلیت و پیروزی در عرصه نبردهای خویش در مقابل جریان سازش به رهبری عربستان سلفی‌گرا، و در صورت تسلط بر تنگه راهبردی باب‌المنندب می‌تواند حاکمیت محور مقاومت را در منطقه تحکیم بخشد (احمدی و سعیدی، ۱۳۹۸: ۷۶).

۲. لبنان

لبنان کشوری با مشخصه‌های هویتی نامتجانس و دارای ساختار موزاییکی و متکثر اجتماعی است. بر اساس قانون اساسی این کشور و پیمان طایف، قدرت میان گروه‌های سیاسی مسیحی، شیعه و سنی تقسیم شده است. بر این اساس تلاش‌ها برای دستیابی به هویت واحد در این کشور امری سخت و دشوار می‌نماید. با وجود این پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تشعشعات ارزش‌های اسلامی و انقلابی به این کشور و به‌ویژه گروه‌های شیعه آن رسوخ و نشر پیدا کرد. ایران با شکل‌دهی و تقویت جنبش شیعی حزب‌الله در جنوب این کشور پس از انقلاب اسلامی، اقدام به الگوسازی، هویت‌بخشی و انسجام‌بخشی نمود خود در جامعه لبنان کرده است. حزب‌الله حامل همان ایدئولوژی است که انقلاب اسلامی پیام آور آن بوده است و چکیده آن را می‌توان در اتکای حزب‌الله به توان خود برای سرکوب دشمن تعبیر کرد. چنین نگرش و ارزش‌هایی در شبکه تلویزیونی المنار که تحت مدیریت حزب‌الله لبنان است، تولید و پخش می‌شود. این رویکردی موجب شده است که ایران حزب‌الله را نوک پیکان مبارزه با اسرائیل بداند و از آن حمایت‌های مادی و معنوی کند (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۸۱).

جدول 5: اهداف عملیاتی حزب الله لبنان در قالب محور مقاومت

انتقال روش مبارزاتی حزب الله به مسلمانان فلسطین و برافروختن آتش انتفاضه به امید آزادسازی همه جانبه قدس	ایجاد مشروعیت مردمی و همبستگی ملی میان بسیاری از طوایف لبنانی در خصوص مقاومت در برابر اسرائیل
تبدیل حزب الله لبنان به یکی از مهم ترین احزاب سیاسی در لبنان، منطقه و جهان اسلام	تبدیل الگوی مقاومت حزب الله به عامل بیداری اعراب در سراسر امت اسلامی
اخراج اشغالگران صهیونیستی و نیروهای خارجی از خاک لبنان	سست کردن اسطوره شکست ناپذیری اسرائیل در میان اعراب و مسلمانان
گسترش فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات شهادت طلبانه و اثبات کارایی آن	رد الگوی مصالحه دیپلماسی و مذاکرات بیهوده با اسرائیل

منبع: (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۴۲-۱۴۱)

می توان از حزب الله لبنان و رهبری آن، سیدحسن نصرالله، به عنوان یکی از جریان های اصلی اثرگذار در این کشور و به عنوان هم پیمان جدی ایران در قالب محور مقاومت نام برد. شاکله برساخت انگارانه حزب الله را می توان در قالب دو مقوله اعتقادی ایمان و جهاد ارزیابی کرد. ایمان حزب الله منبعث از اسلام و رسالت دینی پیامبران و همچنین جهاد در راه خداست (درخشه و بیگی، ۱۳۹۵: ۵۳). حزب الله اندیشه های خویش را منبعث از امام خمینی و ولایت فقیه می داند و همه اقداماتش را در جهت وحدت امت اسلام معرفی می کند و مشروعیت دینی خویش را نیز از تأیید ولی فقیه زمانه می داند (قاسم، ۱۳۸۳: ۸۱). حزب الله در اساسنامه تأسیس خود در ارائه تعریفی مشخص از هویت نهادی خویش آورده است: «ما فرزندان حزب الله هستیم که خداوند طلّیحه آن را در ایران به پیروزی رساند تا دوباره هسته اولیه دولت اسلامی را در جهان برپا کند» (هاشم پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۹). تعریف حزب الله از نظام بین الملل نیز حائز اهمیت است. این گروه صرفاً دو قلمرو در نظام بین الملل را شناسایی می کند: قلمرو استکبار و قلمرو استضعاف. قلمرو اول مبتنی بر استکبار و امپریالیسم و قلمرو دوم مبتنی بر عدالت، ایمان و حرکت در مسیر الله است. در قلمرو اخیر امکان تسلط غیرمسلمان و ظلم آن بر مسلمان و آزادی خواهان میسر نیست (هاشم پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰). در نهایت می توان از عوامل و مؤلفه های اثرگذار جمهوری اسلامی ایران بر حزب الله لبنان را در قالب موارد زیر بیان داشت.



جدول ۶: مؤلفه‌های تأثیرگذار جمهوری اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان

گسترش نمادگرایی شیعه	مبارزه و مقاومت در برابر رژیم اسرائیل	برگزاری جشن‌هایی برای اعیاد اسلامی و روز قدس	حضور روحانیت شیعه در هسته اولیه مقاومت اسلامی
شجاعت و شهامت	صبر، استقامت و پایداری	مراسم عزاداری اهل بیت	عملیات شهادت‌طلبانه
فرهنگ مقاومت	ولایت فقیه	جهاد	تکیه بر عنایت الهی

منبع: (باقری و بیگی، ۱۳۹۹: ۲۰)

همچنین می‌توان گفت رهبری این جریان (سیدحسن نصرالله) با توجه به نفوذ معنوی بالا، نقش بسزایی در تحکیم همبستگی ملی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان فرقه‌های لبنان بازی کرده و در افزایش قدرت نرم حزب‌الله چه در داخل و چه خارج از لبنان نقشی عمده داشته است. در نهایت فرهنگ انقلاب اسلامی ایران به شیعیان لبنان آموخت که باید در برابر دشمنان تا رسیدن به پیروزی، به ایستادگی و مقاومت ادامه داد (باقری و بیگی، ۱۳۹۹: ۲۵).

۳. سوریه

وزن سیاسی هر یک از بازیگران حاضر در محیط جغرافیایی و صحنه مقاومت متفاوت است. سوریه در قلب مجموعه امنیتی محور مقاومت قرار دارد و حفظ و تقویت آن برای جمهوری اسلامی ایران اهمیتی حیاتی دارد. مهم‌ترین نقطه تبیینی در ارتباط با تعاملات ایران و سوریه را می‌توان در قالب الگوی دوستی و دشمنی مطرح کرد؛ زیرا قاطبه جمعیت سوریه اهل سنت هستند و حکومت در اختیار اقلیت علوی و شیعه (۱۵ درصد جمعیت) قرار دارد (Abdo, 2013: 4). در توضیح باید گفت پس از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران مبتنی بر بنیان‌های ایدئولوژیک تعبیه شد و عملکرد دستگاه سیاست خارجی مبتنی بر ایستارهای منبعث از آن شکل گرفت و در نتیجه ایران با روندهای ناعادلانه منطقه‌ای و جهانی سر ناسازگاری برداشت. بر این اساس هویت جدید مبتنی بر فرهنگ دینی، در پی تقابل با استکبار و عوامل و ایادی آن در منطقه برآمد و جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر همین رویکرد به تعامل با مؤلفه‌های قدرت و جنبش‌های اسلام‌گرای منطقه پرداخت (رسولی، ۱۳۹۰: ۱۱۲). حکومت سوریه نیز به‌عنوان یکی از عناصر سازنده محور مقاومت در نظر گرفته شد. اگرچه قالب و ماهیت هویتی ایران و سوریه نسبت به آنچه ایران با سایر گروه‌های عضو محور مقاومت در نظر دارد تا حدی متفاوت است، اما زمینه‌های مشترک هویتی در این دو کشور موجب شده است که در یک قالب و چارچوب عمل کنند و اتحادی پایدار از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا کنون شکل بگیرد. بر این اساس می‌توان گفت ایران و سوریه در سه حوزه به‌صورت مشخص با یکدیگر اشتراک هویتی دارند:

۱. تعهد به آزادسازی مردم از نخبگان فاسد که از سوی امپریالیسم و صهیونیسم حفاظت می‌شوند.
 ۲. مفهومی از «مردم» که از مرزهای دولت-ملت فراتر می‌رود؛ اعراب در مورد حزب بعث و مسلمانان برای جمهوری اسلامی.

۳. روشنفکران انقلابی و جنبش‌های اجتماعی ایدئولوژیک، هویت‌های قومی و مذهبی را به سمت مبارزه برای رهایی اجتماعی و رهایی از امپریالیسم سوق می‌دهند. ایدئولوژی ارگانیک در خاورمیانه منعکس‌کننده حافظه جمعی انباشته‌شده از سیاست‌های مشاخره، جنگ و انقلاب است که در جنبش‌های اجتماعی چارچوب‌بندی می‌شوند و معنا می‌یابند.
 پیوند با چنین احساساتی از طریق «ایدئولوژی ارادی»،^۱ بستر قدرت ایدئولوژیک رژیم‌های ایران و سوریه را تشکیل می‌دهد (Stein, 2017: 678).

با توجه به موارد یادشده می‌توان در حوزه عمل نیز سه عامل اصلی پیوند و ارتباط ایران را برشمرد: ۱. خصومت نسبت به اسرائیل؛ ۲. مقابله با نفوذ غرب در خاورمیانه؛ ۳. مهار سنی‌گرایی (محمدی و ذاکریان، ۱۳۹۹: ۲۰۵).

به عبارتی می‌توان گفت اساساً یکی از هنجارهای ارزشی مهم که هویت منطقه‌ای ایران را شکل می‌دهد، دفاع از مظلوم و ملت ستم‌دیده است. اتحاد راهبردی ایران و سوریه در این برهه زمانی از یک طرف با توجه به نگاه معناگرایانه انقلاب که همواره از ملت ستم‌دیده دفاع نموده و با توجه به نمادهایی مثل حرم مطهر حضرت زینب در دمشق که برای نظام و ملت ایران ارزش دارد، طبق نظریه سازه‌نگاری قابل تبیین و ارزیابی است (درویشی و فیاضی، ۱۳۹۵: ۸۳-۸۰).

۴. عراق

هویت ایرانیان و عراقی‌ها از هم‌پوشانی زیادی برخوردار است. وجود اکثریت ۶۰ درصدی شیعیان در عراق و حضور شمار کثیری از شهروندان عراق در ایران (قبل و بعد از انقلاب) می‌تواند از دلایل مهم این امر باشد (صدیق، ۱۴۰۰: ۱۶۶). همچنین حضور جریان‌های سیاسی-اجتماعی شیعی همچون «حزب الدعوة الاسلامیه»، «مجلس اعلای اسلامی شیعیان عراق»، «جریان مقتدی صدر» و «حزب فضیلت اسلامی عراق»، با توجه به اقتضانات زمانی و مکانی عراق، در ساختار جدید حاکمیتی یک کشور چندقومیتی، مثل عراق، که به لحاظ سهم‌دهی سیاسی شیعیان در جایگاه مناسبی قرار دارند، مرحله‌ای دیگر از بلوغ سیاسی اندیشه شیعی به نمایش گذاشته شده است (طاهری و تقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۹). در ادامه می‌توان به موضع شیعیان عراق در برابر ایران اسلامی اشاره کرد: رابطه فعال؛ به رسمیت شناختن حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت

ارضی ایران؛ پذیرش قطعنامه ۶ مارس ۱۹۷۵ و عهدنامه‌های بعدی؛ گسترش روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی؛ تشکیل نظام امنیتی منطقه‌ای که ایران و عراق در آن نقش ویژه خود را ایفا می‌کنند؛ تشکیل جبهه دو یا چندجانبه برای مبارزه با نقشه‌های استعمار و صهیونیسم جهانی؛ همکاری زیربنایی در زمینه‌های ثبات شورایی، تکثر فرهنگی، آزادی، جامعه مدنی اسلامی و حقوق بشر (با تمام محتوای آن)؛ تعمیق ارزش‌های اسلامی و انسانی در بافت فکری و تمدنی دو جامعه اسلامی (ثقفی عامری، بی تا: ۱۱۳).

به عبارتی، نگاه گروه‌های شیعی به ایران در کسب حمایت، تا حدی تحت تأثیر میزان رابطه این گروه‌ها با ایران و همچنین شدت و وسعت حلقه‌های ارتباطی بین دو طرف قرار دارد. مجلس اعلای اسلامی عراق گرایش بیشتری به ایران دارد و ارتباط آن با مقامات ایرانی نیز قوی‌تر است. این گرایش تا حد زیادی به این واقعیت مربوط می‌شود که بیشتر رهبران مجلس اعلای اسلامی عراق سال‌های تبعید خود را در ایران سپری کردند و در طول سال‌های جنگ ایران و عراق نیز در کنار مردم ایران بودند. حزب الدعوة نیز دارای گرایش و دیدگاهی مثبت به ایران است، اما به نظر می‌رسد نزدیکی آنها به ایران کمتر باشد؛ در حالی که بیشتر رهبران اصلی این حزب مانند نوری مالکی بیشتر سال‌های تبعید خود را در سوریه گذرانده‌اند. از سوی دیگر، مقتدی صدر طی سال‌های حکومت رژیم بعث در عراق باقی ماند و این مسئله می‌تواند تا حدی توجیه‌کننده ارتباط کمتر او با ایران دست کم در سال‌های ابتدایی ظهور این جنبش باشد (طاهری و تقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۲-۱۴۱). همچنین می‌توان از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر گروه‌های شیعه یاد کرد تا جایی که آیت‌الله محمدباقر صدر، از مراجع عالی‌قدر در عراق، در زمان حضور امام خمینی در این کشور و پس از آن، در ابتدای انقلاب اسلامی در ایران حمایت کامل خود را اعلام کرد و شیعیان را به اطاعت و حمایت از آیت‌الله خمینی و اسلام فراخواند. ایشان به یاران و پیروانش توصیه می‌کرد: «ذوبو فی الخمینی کما هو ذاب فی الاسلام»^۱. آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر همچنین می‌گفتند هر عراقی باید حداکثر تلاش خود را حتی با نثار جانش برای رهایی از شر صدام به‌کار گیرد؛ چنان که اظهار داشتند: «من خودم را برای شهادت آماده کرده‌ام و ممکن است این آخرین چیزی باشد که از من می‌شنوید». ایشان در زمینه حضور اشغالگران در عراق بر مقاومت سیاسی تأکید می‌کردند. همچنین می‌توان به نیروهای بسیج مردمی عراق یا حشد شعبی اشاره کرد که از سال ۲۰۱۴ در این کشور تشکیل شد. این نیرو که غالباً متشکل از شیعیان و برخی جمعیت عشایر و اهل سنت، مسیحی و ایزدی است و در زمان شکل‌گیری داعش برای تقابل با آن شکل گرفت، امروز جزئی از نیروهای وزارت داخله عراق

۱. در خمینی ذوب شده همان‌طور که او در اسلام ذوب شده است.

به‌شمار می‌آید. حشد الشعبی از منظر ایدئولوژیک بسیار به ایران و ارزش‌های انقلاب اسلامی نزدیک است؛ به‌گونه‌ای که فالح الفیاض، فرمانده این گروه، در دیدار خویش با فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ایران، گفت: «ما به الگوی سپاه با خصوصیات انقلاب اسلامی افتخار می‌کنیم و امروز چگونگی استفاده از تجربه سپاه با قوانین و خصوصیات عراق را وظیفه خود می‌دانیم» (سایت یورونیوز، ۲۰۲۱).

منافع مشترک در محور مقاومت

اگرچه جوامع از ویژگی‌های زبانی، نژادی و هویت تأثیر می‌پذیرند، اما به گواه تاریخ، وجود منافع مشترک پایه اصلی همبستگی‌ها و جهت‌گیری‌های بازیگران و پشتوانه ائتلاف‌ها بوده است. این شرایط در خصوص محور مقاومت اسلامی یک راهبرد منطقه‌ای و یک چشم‌انداز جهانی است. محور مقاومت اسلامی هرچند در یک جبهه منطقه‌ای فعال است، اما تصویری از یک نظام ائتلاف جهانی است و ائتلاف شعاری راهبردی و راهی برای جهانی شدن مقاومت است. اشتراک در منافع پشتوانه‌ای عظیم در شکل‌گیری ائتلاف بوده است و احصای این موارد ذیل حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بر نکات زیر تأکید دارد:

- در ائتلاف کشورها و تجمیع ظرفیت‌ها در محور مقاومت با دستور کار مشترک، قدرت چانه‌زنی در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش می‌یابد.
- در حوزه نظامی و امنیتی، دفاع یکجانبه برای هر کشور به تنهایی هزینه‌های زیادی در پی خواهد داشت و احتمال کسب نتیجه مطلوب کاهش می‌یابد، اما ائتلاف در دفاع جمعی و هماهنگ و مقابله با عناصر تهدیدآمیز از جمله آمریکا، رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی تحت حمایت عربستان شرایط را به‌نحو مناسب‌تری تغییر می‌دهد و احتمال شکست به‌میزان زیادی کاهش می‌یابد.
- به لحاظ اقتصادی، محور مقاومت اسلامی در معرض تحریم‌های طولانی‌مدت قرار دارد و این روند تا زمانی که وضعیت چالش و تهدید آنها به فرصت تبدیل نشود، ادامه خواهد داشت. این کشورها تنها با تأکید بر منافع مشترک و همکاری اقتصادی با همدیگر و تشکیل بازارچه‌های مرزی مشترک و کالاهای صادراتی ساخت خود به سایر شرکا، قادر خواهند شد اثرگذاری تحریم را تا حد زیادی کاهش دهند.
- سیاست‌های اقتصادی محور مقاومت اسلامی هرچند تاکنون به‌صورت کامل هماهنگ و همسو نشده است، اما در صورت تسریع در این روند قادر خواهند بود یک «کلوپ اقتصادی-اسلامی» تشکیل دهند. ماهیت این کلوپ می‌تواند مبتنی بر صادرات و واردات

متقابل درون‌محوری در جبهه مقاومت اسلامی باشد.

- کشورهای محور مقاومت اسلامی از منافع مشترک انرژی برخوردارند و پهنه جغرافیایی وسیعی را به خود اختصاص داده‌اند که حجم زیادی از انرژی دنیا را در خود جای داده است. هماهنگ‌سازی و همسو کردن سیاست‌های انرژی، این کشورها را قادر خواهد ساخت قدرت چانه‌زنی زیادی در تعیین قیمت جهانی نفت و معادلات عرضه و تقاضا کسب کنند.
- از نگاه فرهنگی گرچه محور مقاومت اسلامی متشکل از کشورهای با نژاد عرب و ایرانی و با زبان‌ها و لهجه‌های مختلف است، اما از یک جغرافیای اسلامی با ماهیت تمدنی و اشتراک آیینی برخوردار است. منافع فرهنگی مشترک استحکام‌بخش بعد مهمی از دفاع مشروع است و دفاع از هویت و تمدن اسلامی، محافظت از امکان مقدس و فرهنگ دینی امکان‌پذیر است. پس ملت‌های مسلمان در مسیر جریان مقاومت باید به اتحاد فرهنگی به‌عنوان مرکز ثقل پایداری و ایستادگی توجه کنند؛ همان‌گونه که رهبری نیز بر این مهم تأکید دارند: «مقاومت وقتی گفته می‌شود، فوراً ذهن می‌رود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها. خب بله، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاکریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت».

چالش‌های پیش روی محور مقاومت

اغلب کشورهای منطقه مشروعیت سیاسی ندارند. فقدان مشروعیت دولتمردان نزد ملت‌ها، ناباوری به قدرت الهی و نیز بدبینی به همسایگان باعث شده است برای حفظ و بقای رژیم سیاسی خود به قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی متوسل شوند. بیماری مزمن وابستگی سیاسی باعث ایجاد پیمان‌های دو یا چندجانبه شده است که با خود تعهداتی همراه دارد. این تعهدات به‌گونه‌ای است که استقلال در تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی را از این کشورها سلب می‌کند. در ارتباط با مسائل مختلف جهانی، کشورهای مذکور خط‌مشی‌های سیاسی مختلفی پیش گرفته‌اند و بر سر مسائل سیاسی مشترک، از جمله وحدت جهان اسلام به توافق نمی‌رسند. برای مثال موضع‌گیری‌های متفاوت و گاهی متضاد کشورهای ترکیه، مصر، عربستان و ایران در ارتباط با بحران‌هایی مانند اشغال عراق، افغانستان، حمله به غزه، لبنان، بحران سوریه و داعش و ... به نتایج مؤثری ختم نشده است. وجود پیمان‌های دو و چندجانبه بین کشورهای ساحلی خلیج فارس با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه ایالات متحده آمریکا که تعهداتی همراه داشته، مانع وفاق کشورهای منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس برای ایجاد یک پیمان همکاری یا تشکیل یک اتحادیه اقتصادی یا سیاسی-امنیتی شده است.

در بعد اقتصادی نیز چالش‌های ناشی از وابستگی به کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان مانعی سر راه همکاری‌های گسترده بین کشورهای اسلامی شده است. ساختار تولیدی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی به‌عنوان یک مجموعه اقتصادی به‌گونه‌ای است که کشاورزی ۱۸/۲ درصد، صنایع ۳۶/۵ درصد (بیشتر با تأکید بر صنایع استخراج تولید نفت) و خدمات ۴۵/۳ درصد از کل تولید ناخالص آنها را تشکیل می‌دهد. براساس این نسبت‌ها، ساختار تولید کشورهای اسلامی به ساختار تولید کشورهای با درآمد پایین و متوسط جهان شباهت دارد (شاه‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۳۷).

برخی کشورهای منطقه نیازمند امکانات، تولیدات و تکنولوژی برتر کشورهای غربی و سایر قدرت‌های برتر هستند. این وابستگی اقتصادی که گاه ناشی از سابقه مستعمراتی این کشورها و وجود پیوندهای سنتی تجاری با کشورهای صنعتی یا توسعه‌نیافتگی است، تعهدات و محدودیت‌هایی را بر این کشورها تحمیل می‌کند و مانع از توسعه همکاری گسترده اقتصادی، سیاسی و ... بین کشورهای جهان اسلام می‌شود. در مجموع وابستگی‌های متنوع قدرت‌های جهان اسلام به قدرت‌های جهانی در گذشته و حال، زمینه را برای مداخله و توسعه شیکاف‌ها و جدایی‌ها و تجزیه جهان اسلام فراهم می‌کند و به بی‌ثباتی، کشمکش، رقابت و گسترش اتکا به دولت‌های غیراسلامی دامن می‌زند.

آینده در شرف توسعه هرچه بیشتر محور مقاومت و گسترش آن در مناطقی با قرابت‌های سرزمینی، فرهنگی و مفهومی کمتر با انقلاب اسلامی پیش‌بینی می‌شود. محور مقاومت برای برون‌رفت از چالش‌های ناشی از تعاملات خود با این جوامع باید جامعه‌شناسی مناسبی از وضع حال آنها داشته باشد و به مسائلی مانند نوع برداشت آنها از محیط، منطقه، دشمن، مبارزه و جبهه مقاومت شناخت پیدا کند. در شرایط کنونی حتی در ایران نیز در خصوص مقاومت انسجام معنایی و اندیشه‌ای وجود ندارد که عامل بروز چالش‌هایی شده است. انعکاس عدم انسجام معنایی در منطقه جریان مدل‌سازی محور مقاومت را با چالش مواجه می‌کند. انقلاب اسلامی ایران مقاومت را در چارچوب امامت و ولایت و براساس منطق فقهی-کلامی خاص شیعی تفسیر می‌کند و به آن اعتقاد دارد. آیا سایر کشورهای حامی مقاومت، که به تعبیر امام خمینی، از نقاط کلیدی در جغرافیای منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شوند و در آینده باید با آنها تعامل کرد و تأثیر گذاشت، هم بر همین منطق استوارند؟ از جمله این نقاط کلیدی خلیج بنگال، خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان، تنگه باب‌المندب، دریای سرخ، خلیج عقبه، کانل سوئز، دریای مدیترانه و جبل الطارق است. بنابراین باید منطق مقاومت را با ذهن و حافظه ملت‌ها آشنا کرد تا تعارض و شکاف گفتمانی ایجاد نشود. توجه به شرایط و اقتضائات محیطی در کنار حمایت از کانون‌های معنایی امکان نفوذ در دل‌ها را فراهم می‌کند و به جذب ملت‌ها منتهی می‌شود و مرکز ثقل هدایت



انگیزه‌های مقاومت خواهد بود.

جریان مقاومت به‌علت اصالت داشتن، وجوه متفاوتی را پوشش می‌دهد که تاکنون در صحنه‌های مختلف به‌ظهور رسیده است مانند مقاومت در جنگ با داعش یا جنوب لبنان علیه اسرائیل یا «مقاومت سیاسی» در عرصه رقابت در مناسبات قدرت بین‌المللی و توزیع آن؛ اما یکی از جلوه‌های مهم مقاومت، توجه به بعد سخت یا نرم‌افزارانه تصاویر جدی از روش‌های نوین در جنگ‌هاست. در چنین شرایطی جنگ سخت ماهیت متفاوتی خواهد داشت و بیشتر متأثر از جنگ نرم است؛ پس باید امکانات مقاومت در صحنه نبرد جنگ نرم را فراهم کرد و از پیش‌ران‌های فعال در فرماندهی و نیروهای عملیاتی و نیز تدارکات تسلیحاتی و نظامی در جنگ نرم بهره برد. مقاومت چون از یک نظام معنایی و ارزشی برخوردار است، حتماً باید به‌صیانتی نرم‌افزاری برای حفظ سرمایه‌هایش پردازد که در آحاد مردم، محیط و فرماندهان و کارگزاران دیگر دیده می‌شود. محیط آینده مقاومت مقارن جنگ‌های پیچیده و نرم‌افزارانه‌تری است و باید برای چنین محیطی آماده شد. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در قالب جنگ رسانه‌ای غرب علیه محور مقاومت یا جنگ روانی در سقوط هواپیمای اوکراینی با هدف انحراف افکار عمومی جهان از ترور سردار سلیمانی و ... مشاهده کرد. مقاومت چون برای خود یک نظام معنایی و ارزشی تعریف می‌کند، در مرحله اول باید به‌صیانت‌سازی و ایمن‌پردازی نرم‌افزاری از خود، محیط و سرمایه‌هایش اهتمام ورزد. سرمایه‌های مقاومت تنها کادرها و اعضایش نیستند بلکه توده مردم، رسانه‌ها، افکار عمومی و گروه‌های مرجع از منابع اصلی سرمایه‌ای به‌شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، گرچه در گذشته منطقه‌گرایی در قالب کشورهای همسایه و برخورداری از مناطق جغرافیایی مشترک تعبیر می‌شد، اما رویکردی نو به مقوله منطقه‌گرایی نشان می‌دهد که فرهنگ و هویت از طریق انتشار ارزش‌ها و هنجارهای مشترک امکان شکل‌دهی به «ما»ی جمعی را فراهم می‌کنند. افراد در کشورها و مناطق جغرافیایی متفاوت با بهره‌گیری از آن می‌توانند احساس مشترک و هویت مشترک کنند؛ بدین ترتیب زمینه شکل‌گیری هویت منطقه‌ای مشترک فراهم می‌شود. هویت شیعی محور مقاومت که پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، در منطقه خاورمیانه شکل گرفت، نمونه‌ای مشخص و بارز از هویت منطقه‌ای است.

بر این اساس در خاورمیانه دو ساخت و محور هویتی با عنوان محور مقاومت اسلامی (متشکل از ایران، عراق، یمن، سوریه، لبنان و فلسطین) و محور سازش (متشکل از عربستان، اسرائیل و آمریکا) شکل گرفته است. محور سازش در پی ایجاد موازنه منطقه‌ای است؛ اما با توجه

به اختلافات مذهبی، ایدئولوژیک و فرهنگی موجود در این بین، تلاش می‌کند از شکل‌گیری و انسجام محور مقاومت جلوگیری کند. محور سازش این کار را با اقداماتی در قالب قدرت نرم و سخت پیش می‌برد. این اختلاف و تعارض منافع موجب ورود و دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای در خاورمیانه شده است. نمونه‌هایی از آن را می‌توان در قالب شکل‌دهی به داعش و درگیر کردن سوریه و عراق در بحران و جنگ داخلی، جنگ رسانه‌ای غرب علیه محور مقاومت یا جنگ روانی در سقوط هواپیمای اوکراینی با هدف انحراف افکار عمومی جهان از ترور سردار سلیمانی و... مشاهده کرد.

چنان که بیان کردیم، پایگاه اصلی محور مقاومت، جریان‌های شیعه منطقه هستند که عمده آنها در زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران ایجاد شدند. برخی از این جریان‌ها گرچه صبغه قدیمی‌تری داشتند، اما با وقوع انقلاب اسلامی به تحرک اجتماعی و سیاسی دست زدند و به رشد و شکوفایی رسیدند. جریان مقاومت هم به این جمع‌بندی رسیده است که اسلام سیاسی امکان تحقق اهداف والای انسانی و الهی را فراهم می‌کند و با گذشت ۴۰ سال از وقوع انقلاب اسلامی، از این رویکرد دست نکشیده‌اند. هرچند وزن سیاسی و اجتماعی جریان‌های مقاومت با یکدیگر متفاوت است، اما هرکدام از این کشورها و گروه‌ها به‌علت برخورداری از مزیت نسبی زمینه‌ساز تقویت این محور شده‌اند.

محور مقاومت که هسته مرکزی آن ایران است، در تلاش است ضمن پرورش رویکرد امت‌گرایانه و ترویج رویکرد وحدت‌گرایانه در جهان اسلام، نسبت به اقدامات خصمانه محور سازش واکنش نشان دهد. این امر زمینه‌ساز بروز اختلافات و تعارضات منطقه‌ای و درگیری‌های تبلیغاتی، نظامی و سیستماتیک شده است که خود چالش‌ها و فرصت‌هایی برای محور مقاومت ایجاد کرده است.



منابع و مأخذ

- آقابخشی، علی اکبر (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- احمدی سفیدان، حسین و مولود سعیدی اطهر (۱۳۹۸)، «نقش انقلاب اسلامی ایران در همگرایی جنبش‌های اسلامی منطقه با تأکید بر شیعیان یمن»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۸.
- اختیاری امیری، رضا، احمد رشیدی و عبدالله سلطانیان (۱۳۹۹)، «ائتلاف دوفاکتوری جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۹، ش ۱.
- اخوان کاظمی، مسعود و حامد شاه‌ملکی (۱۴۰۰)، «مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، ش ۱.
- باقری دولت‌آبادی، علی و مهدی بیگی (۱۳۹۹)، «انقلاب اسلامی ایران و تأثیرات آن بر مؤلفه‌های قدرت نرم حزب الله لبنان»، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، س ۳، ش ۲.
- باقری نژاد، سید اصغر و بهزاد قاسمی (۱۴۰۰)، «نقش تفکر انقلاب اسلامی و محور مقاومت در قبال سوریه براساس نظریه استفان والت»، نشریه علمی مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، س ۲۰، ش ۹۱.
- بیانات مقام معظم رهبری، قابل دسترس در www.khmenei.ir.
- تلاشان، حسن (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۱۰، ش ۴۰.
- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات همایش عراق جدید و تغییرات ژئوپلیتیک، راهبرد.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۱)، «تبیین عوامل و اهداف استراتژیک میان آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره هشتم، ش ۲.
- چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان.
- درخشه، جلال و علیرضا بیگی (۱۳۹۵)، «کارآمدی حزب الله لبنان در دستیابی به مقبولیت اجتماعی و مشروعیت سیاسی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلامی، س ۶، ش ۴.
- درویشی سه‌تانی، فرهاد و حامد فیاضی (۱۳۹۵)، «بررسی سازه‌انگازانه و نئورنالیستی روابط راهبردی ایران و سوریه (۲۰۱۵-۱۹۷۹)»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، س ۱۰، ش ۳۵.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، «تحول در نظریه‌های منطقه‌گرایی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۳، ش ۱.
- رسولی‌ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۰)، «مبانی بیناذهنی هویت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۴، ش ۷.
- روحی‌دهبته، مجید (۱۳۹۳)، «مفهوم‌سازی همگرایی و منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل از منظر سازه‌انگاری



- مطالعه موردی: اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۴، ش ۱۳.
- سایت یورونیوز، «فرمانده حشد الشعبی: استفاده از تجربه سپاه را وظیفه خود می‌دانیم»، تاریخ انتشار ۲۰۲۱/۸/۸، قابل دسترس در www.dw.com/fa.
 - سرخیل، بهنام (۱۳۹۷)، «تحقق منطقه‌گرایی نوین در آفریقا از منظر سازه‌انگاری»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، ش ۴.
 - سمیعی اصفهانی، علیرضا، مهدی محمدی عزیزآبادی و جاسب نیک فر (۱۳۹۴)، «ژئوپلیتیک هویت و تأثیر آن بر راهبرد امنیتی ایران و عربستان در تحولات یمن»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۲.
 - شکرزاده چهاربرج، رضا و احسان جعفری فر (۱۳۹۷)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، س اول، ش ۴.
 - صدیق، میرابراهیم (۱۴۰۰)، «تأثیر انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های امام‌خمينی (ره) بر جنبش‌های اسلامی عراق»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، س ۲، ش ۳.
 - طاهری کل‌کشوندی، مسلم و محمود تقی‌زاده داوری (۱۳۹۴)، «رویکرد جریان‌های شیعی عراق به تحولات نوین کشور»، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۱۲، ش ۴۸.
 - طاهری، سیدمهدی (۱۳۸۸)، «تأثیرات انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب‌الله»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۲.
 - عباسی، مجید و سعید گلچین (۱۳۹۴)، «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، س ۱۸، ش ۶۹.
 - عسکری کرمانی، محمد و حسن معین‌آبادی بیدگلی (۱۴۰۰)، «بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه»، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، س ۱۰، ش ۲.
 - علیخانی، مهدی (۱۳۹۶)، «هویت‌گرایی در سیاست خارجی عربستان سعودی و پیامدهای منطقه‌ای آن»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، س ۱۴، ش ۳.
 - عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های تاریخی آن، تهران: دانشگاه پیام نور.
 - فتحی، محمدجواد، الهام رسولی ثانی‌آبادی و میلاد خسروی‌نژاد (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی تأثیر تحولات سوریه و عراق بر سیاست منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۳۶.
 - قاسم، شیخ نعیم (۱۳۸۳)، حزب‌الله لبنان، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران: اطلاعات.
 - قانون اساسی عربستان سعودی.
 - کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت».

ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، ش ۲۰.

- لیک، دیوید و پاتریک مورگان (۱۳۸۱)، «نظم‌های منطقه‌ای، امنیت‌سازی در جهانی نوین، رهیافت سیستمی به مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای»، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
- محمدی، سامان و مهدی ذاکریان (۱۳۹۹)، «نقش هویت در شکل‌دهی به هدایت سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، س ۱۳، ش ۵۰.
- محمودی‌رجا، سیدزکریا، علی باقری دولت‌آبادی و بهنام راوش (۱۳۹۷)، «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، س ۷، ش ۱۴.
- مسعودنیا، حسین و حسین توسلی (۱۳۹۱)، «بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن»، مطالعات سیاسی جهان اسلامی، س اول، ش ۳.
- موسوی، سید محمد و محسن باقری‌فر (۱۳۹۴)، «نظریه سازه‌نگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، س ۱۴، ش ۱۴.
- میررضوی، فیروزه (۱۳۹۲)، دشمنان دوست‌نمای خاورمیانه، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نجاتی، سیدعلی (۱۳۹۳)، «رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات نوین خاورمیانه»، فصلنامه سیاست، س اول، ش ۱۴.
- هاشم‌پور، پیروز، علی محمد حقیقی و غفار زارعی (۱۴۰۰)، «هویت‌بخشی انقلاب اسلامی ایران به محور مقاومت اسلامی (مطالعه موردی: حزب الله لبنان)»، فصلنامه سپهر سیاست، س ۸، ش ۲۷.
- Abdo, Geneive (2013), "The New Sectarianism: The Arab Uprisings and The Rebirth of the Shia'a Sunni Divide", The Saban Center for Middle East Policy at Brookings, Analysis Paper, No. 29.
- Adler, Emanuel and Michael Barnett (1998), "A Frame Work for the Study of Security Communalities", In Security Communalities, Cambridge: Cambridge University Press
- Colucci, Lamont (2018), "Beware Iran's 'Axis of Resistance'", at: www.usnews.com, Feb. 23.
- Fischer, Markus (2006), Culture and Foreign Politics, The Limits of Culture; Islam and Foreign Policy, Brenda Shaffer ed. MIT Press.
- Hopf, Ted (1998), "The Promise of Constructivism in International Relations



Theory", International Security, Vol. 23, No. 1.

- Luomi, Mari (2008), "Sectarian Identities or Geopolitics? The Regional Shia-Sunni Divide in the Middle East", The Finnish Institute of International Affairs Kruunuvuorenkatu, Available at: https://www.files.ethz.ch/isn/48033/08_Sectarian_Identities_or_Geopolitics.pdf
- Raagmaa, Garri (2001), "Regional Identity and Social Capital in Regional Economic Development and Planning", Available at: <http://www.sre.wu.ac.at/ersa/ersaconfs/ersa01/papers/full/194.pdf>
- Stein, Ewan (2017), Ideological Codependency and Regional Order: Iran, Syria, and the Axis of Refusal, Published online by Cambridge University Press, Available at: <file:///D:/Downloads/ideological-codependency-and-regional-order-iran-syria-and-the-axis-of-refusal.pdf>
- Wendt, Alexander (1999), Social Theory of International Politics, Cambridge: Cambridge University Press.
- www.worldpopulationreview.com/countries
- www.cfr.org/sunni-shia-divide
- www.state.gov/reports/2020-report-on-international-religious-freedom

